

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۱/۰۸

نویسنده: بهادرا کومار
مترجم رسول رحیم

یک امید غیر محتمل در تقابل ایالات متحد امریکا و ایران

منبع: ادین پنچ لاین ۷ جنوری ۲۰۲۰

از قتل قاسم سلیمانی جنرال کرسماتیک ایرانی در ۲ ام جنوری به اینسو، در جریان هفته پویائی جدید در حال شکل گرفتن است. این پویائی در سه سطح دیده می شود.



با میزان میهوت کننده فوران احساسات عامه در ایران در جریان تشییع جنازه سلیمانی، در پایان عزاداری در سه شنبه، مقامات در تهران کار را برای به اجرا در آوردن دستور علی خامنه ای رهبر عالی ایران در جهت « انتقام کثی شدید» از ایالات متحد امریکا آغاز خواهد نمود.

کاملاً آشکار است که صحنه عاطفی دیروز در مراسم عزاداری سلیمانی روی این برداشت تاکید می نماید که این فرمانده کرسماتیک بیشتر شباهت به پسر آیت الله خامنه ای داشت، زیرا غم و اندوه وی به شدت شخصی بود. اما در حال حاضر ایران قصد ندارد که به متحدین منطقوی ایالات متحد امریکا بپردازد (آنچه مهم است اینکه یک مقام ایرانی نیز به اسرائیل اشارت نکرده است که در قتل سلیمانی دست داشته است).

کشورهای عربی خلیج به طور جداگانه ای از جانب ایران اطمینان حاصل نموده اند و این دلیل سفر شتابزده شاهزاده خالد معاون وزیر دفاع عربستان سعودی (برادر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی) را به واشنگتن بیان می دارد. خالد با مایک پمپئو وزیر خارجه و مایک اسپر وزیر دفاع ایالات متحد امریکا ملاقات نموده است.

ریاض در علن خواهان خویشتنداری اداره ترامپ شده است. محمد بن عبدالرحمن بن جاسم الثانی معاون نخست وزیر و وزیر خارجه قطر (متعلق به خانواده سلطنتی می باشد) دو روز قبل توسط حسن روحانی رئیس جمهور ایران پذیرفته شد. کشورهای عربی خلیج نگران آن تخریبات جانبی می باشند که هرگاه ایران بخواهد انتقام کدام حمله مستقیم ایالات متحد امریکا را بگیرد.

در عین زمان الگوی دوم از تقاضای عراق برای خروج نیروهای امریکائی نشات نموده است. واشنگتن در پیشگیری از تصمیم پارلمان عراق ناکام شد و برای پاسخ گفتن به آن به سختی زیر فشار قرار دارد. برید جنرال ویلیام سیلی قومندان قوای امریکائی در عراق طی مخابره (نامه ای) به مقامات نظامی عراقی اطلاع داده است که « به منظور احترام به حاکمیت « عراق ، ائتلاف زیر رهبری ایالات متحد امریکا « در جریان چند روز و هفته آینده نیروها را

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

در موضع جدید قرار می‌تا برای برگشت آماده باشند... تا اطمینان حاصل شود که حرکت به بیرون از عراق به طریق محفوظ و موثر صورت می‌گیرد.»

این جنرال علاوه نموده است که «ما این عملیات را در جریان ساعاتی که هوا تاریک است راه اندازی می‌کنیم تا به رفع هرگونه برداشتی کمک نمائیم که گویا ما نیروهای ائتلاف بیشتر را (به عراق) وارد می‌کنیم.» اما پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحد آمریکا تلاش نموده است این نامه را کم ارزش و نامود کرده و گفته است که «عبارتتش ضعیف است.» مایک اسپر وزیر دفاع و جنرال مارک میلی رئیس لوی درستی‌های مشترک اردو با شتاب رد نموده اند که ایالات متحد آمریکا نیروهایش را از عراق بیرون می‌کشد. البته این غیر قابل درک است که جنرال سیلی و یا جنرال میلی و یا اسپر چنین تصمیم متضادی را با صلاحیت خود شان بگیرند. ظاهراً ترامپ خودش نمی‌تواند تصمیم بگیرد.

فرماندهان پنتاگون یا وزارت دفاع ایالات متحد آمریکا باید واقعاً از آن طغیان شدید احساسات ضد امریکائی در عراق آگاه باشند که به دنبال کشته شدن ابو مهدی المهندس به وجود آمده است. او در عمل فرمانده نیروهای بسیج مردمی مورد حمایت ایران بود که متشکل از جنگجویان سرسخت شیعی می‌باشند (اما تائید حکومت عراق را دارند). آن‌ها احتمالاً به طور واقع بینانه ای ارزیابی نموده اند که ادامه حضور ایالات متحد آمریکا در عراق غیر موجه می‌گردد. اما چشم انداز یک خروج نیروها در این لحظه برای ترامپ از لحاظ سیاسی بسیار مخرب می‌باشد. از جانب دیگر ۵۰۰۰ تن نظامیان امریکایی که در پایگاه‌های عراق پراگند می‌باشند، با افسردگی مواجه می‌شوند. نمی‌توان تکرار حوادث حملات با بمب در سربازخانه‌های بیروت در سال ۱۹۸۳ را در این مورد از نظر دور داشت. در ۲۳ ام اکتوبر همان سال در اثر این حملات بر یک مجتمع ساختمانی تفنگداران بحری ۲۴۱ تن کشته شدند و این امر ریگان را مجبور ساخت تا دستور بیرون کشیدن نیروها از لبنان را بدهد.

با اینهمه ترامپ می‌بایست محاسبه نموده باشد که می‌تواند ایران را تهدید کند تا گروه‌های ملیشه‌ئی عراقی را مهار کند. اما این یک برداشت اشتباه آمیز است. علاوه بر آن چندین گروه ملیشه‌ئی مسلح خود سر عراقی در حال زد و خورد اند که برخی آن‌ها در شورشگری شیعه بعد از تهاجم ایالات متحد آمریکا در سال ۲۰۰۳ جنگیده اند. با اینهمه در سطح بسیار اساسی تر یک الگوی سوم در حال تقلا برای ظهور است که مورد توجه قرار نگرفته است. (این عبارت از) اعلان روز یکشنبه ایران در ارتباط با پنجمین و آخرین گام در پاسخ به خروج ایالات متحد آمریکا از موافقت نامه برجام سال ۲۰۱۵ می‌باشد که در ماه می سال ۲۰۱۸ صورت گرفته است.

ایران اعلان نموده است که در ارتباط به «تعداد سانتریفیوژها... تولید و به شمول ظرفیت غنی سازی و درصد و تعداد پورانیوم غنی سازی شده» دیگر خود را متعهد به محدودیت‌های مندرج در موافقت نامه برجام نمی‌داند. احتمالاً این می‌تواند به مفهوم خماندن نهایی برجام باشد، در صورتی که ضروری نیست چنین باشد. ایران بلافاصله این حق را برایش حفظ می‌کند که سطح غنی سازی را تا ۲۰ درصد برساند، اما این کار را نخواهد کرد و به ژانسن بین المللی انرژی هسته‌ئی ادامه بازرسی را اجازه خواهد داد.

این رویکرد محاسبه شده با سیاست هسته‌ئی می‌تواند حامل تشدید تنش‌ها با ایالات متحد آمریکا باشد. بسیار مهم آنست که تهران این اعلان را درحین مراسم سوگواری نموده است. اشتباه نباید کرد که این تصمیم جواز علی‌خامنه‌ئی رهبر عالی ایران را دارد.

چنین امری بیانگر آنست که ایران یک روزنه کوچک برای دیپلوماسی را حفظ کرده است. اتحادیه اروپا از ظریف (وزیر خارجه ایران) دعوت نموده است تا روز جمعه با وزیرهای خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان ملاقات نماید. اینکه آیا این روزنه بیشتر باز می‌شود و یا به زودی تنگ و مسدود می‌گردد، یک سوال بسیار اساسی است. در صورتی که این روزنه باز باشد، رویکرد «فشار اعظمی» ترامپ یعنی تحریم علیه ایران ناگزیر به یک نقطه می‌رسد و می‌تواند یک پویائی کاملاً جدید در قبال حالت در جازدکی بین ایران و آمریکا به وجود آید. ترامپ که زیر انتقادهای فرساینده دموکرات‌ها و رسانه‌های پر مخاطب قرار دارد، رویارویی کنونی فشار بر وی را می‌افزاید. هرگاه در ماه‌هایی که پیشرو قرار دارند، این تقابل افزایش یابد، چنانکه از اوضاع بر می‌آید، انتخاب مجدد وی شاید به مخاطره بیفتد.

آنچه که هنوز می‌تواند ممکن باشد آنست که «انتقام شدید» ایران در آن حدی باشد که ترامپ بتواند با آن بسازد و اجازه بدهد دروازه به سوی طریقی باز باشد که به مذاکرات منجر گردد. این یک امید غیر محتمل است اما بهتر از آنست که هیچ امیدی نباشد.

پایان